

داده‌های جدید مایکروسافت می‌گوید ۹ میلیون ایرانی کاربر هوش مصنوعی هستند

ایران نود و یکمین کشور جهان در نفوذ AI

فرهنگستان

دانشگاه

رئیس سرای نوآوری گیاهان زینتی دانشگاه آزاد درگفت وگو با «فرهیتگان» خبرداد

رشد ۵۰ درصدی فروش گیاهان زینتی واحد گرگان در ۱۴۰۴



داده‌های جدید مایکروسافت می‌گوید ۹ میلیون ایرانی کاربر هوش مصنوعی هستند

ایران نود و یکمین کشور جهان در نفوذ AI



ابوالفضل مظاهری
دبیر گروه دانشگاه

حدود یک ماه قبل «مؤسسه اقتصاد هوش مصنوعی مایکروسافت» جدیدترین نسخه از گزارش میزان پذیرش یا نفوذ هوش مصنوعی در جهان (AI diffusion) را منتشر کرد که بر اساس آخرین داده‌ها میزان استفاده از هوش مصنوعی در جهان در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ روند افزایشی خودش را حفظ و نسبت به نیمه اول سال ۱/۲ واحد درصد رشد کرد؛ به‌طوری‌که اکنون از هر شش نفر، یک نفر در جهان از ابزارهای هوش مصنوعی مولد استفاده می‌کند. این شاخص بر اساس داده‌های تجمیع‌شده و ناشناس مایکروسافت تهیه شده و سپس با در نظر گرفتن تفاوت‌ها در سهم بازار سیستم‌عامل‌ها و دستگاه‌ها، میزان دسترسی به اینترنت و جمعیت کشورها اصلاح شده است. البته نویسندگان این گزارش تصریح کردند هیچ شاخصی کامل نیست و این معیار هم از این قاعده مستثنی نیست.

۱۶ درصد جمعیت جهان مخاطب AI

داده‌های جدید نشان می‌دهد استفاده جهانی از هوش مصنوعی به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. میزان استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مولد به ۱۶٫۳ درصد جمعیت جهان رسیده، درحالی‌که این رقم در نیمه اول سال ۲۰۲۵ برابر با ۱۵٫۱ درصد بود. امروز تقریباً از هر شش نفر، یک نفر برای یادگیری، کار یا حل مسئله از هوش مصنوعی استفاده می‌کند. با این حال، این پیشرفت نابرابر است. رشد در شمال جهانی تقریباً دو برابر سریع‌تر از جنوب جهانی بوده و فاصله میان آن‌ها از ۹٫۸ به ۱۰٫۶ واحد درصد افزایش یافته است. به بیان دیگر، مزایای هوش مصنوعی در حال گسترش است، اما این گسترش به‌صورت برابر اتفاق نمی‌افتد. اگر به کشورهای کم‌بیشترین رشد را داشته‌اند نگاه کنیم، این عدم توازن حتی آشکارتر می‌شود. هر ۱۰ کشوری که بیشترین افزایش سهم استفاده را داشته‌اند، اقتصادهای با درآمد بالا هستند. امارات متحده عربی و کره جنوبی با رشد بیش از چهار واحد درصد، نمونه‌های شاخص این روند هستند. البته در میان ۳۰ کشور برتر، رتبه‌بندی تقریباً ثابت مانده و کشورهای کم‌رشدتر و به‌صورت مستمر در زیرساخت دیجیتال سرمایه‌گذاری کرده‌اند، همچنان در صدر هستند. امارات و سنگاپور در رتبه‌های اول و دوم قرار دارند و پس از آن‌ها نروژ، ایرلند، فرانسه و اسپانیا قرار گرفته‌اند؛ کشورهایی که زودتر در زیرساخت‌های دیجیتال، آموزش مهارت‌های هوش مصنوعی و به‌کارگیری دولتی این فناوری سرمایه‌گذاری کرده‌اند. امارات متحده عربی جایگاه نخست خود را تثبیت کرده و در پایان سال ۲۰۲۵، ۶۴ درصد از جمعیت در سن کار آن از هوش مصنوعی استفاده می‌کردند درحالی‌که این رقم ابتدای سال ۵۹٫۴ درصد بود. این کشور اکنون بیش از سه درصد از سنگاپور با ۶۰٫۹ درصد جلوتر است.

کانادا پیشی گرفت و هلند را بریتانیا عبور کرد. آمریکا با وجود تعداد بالای کاربران، به رتبه ۲۴ سقوط کرد، زیرا نسبت کاربران آن در مقایسه با برخی کشورهای کوچک‌تر پایین‌تر است. در مجموع، داده‌ها نشان می‌دهد جهان با سرعت چشمگیری در حال پذیرش هوش مصنوعی است، اما هم‌زمان فاصله میان کشورهای پیشرو و عقب‌مانده نیز در حال افزایش است. چالش آینده این است که موج بعدی نوآوری به افراد بیشتری در نقاط مختلف جهان برسد، نه اینکه تنها به گروهی محدود بماند.

آمریکا پیشرو در فناوری اما نه در میزان استفاده

داده‌های نیمه دوم سال در آمریکا نشان می‌دهد که پیشتاز در نوآوری و زیرساخت،

گفت‌وگو با دانشگاهیان علوم پزشکی البرز

در چهلمین روز شهادت استاد سید هادی حسینی

بعضی

دانشگاه

شکست



SEYED
HADI
HOSSEINI

که یکی از بزرگ‌ترین شکاف‌های نگرشی نسبت به فناوری در سطح کشورها محسوب می‌شود. رویکرد عمل‌گرایانه در تنظیم‌گری نیز به پیشتازی امارات کمک کرده است. این کشور محیط‌های آزمایش کنترل‌شده (Regulatory Sandbox) ایجاد کرد؛ برنامه‌های ویژه و یزا برای جذب متخصصان هوش مصنوعی راه‌اندازی نمود و دستورالعمل‌های مبتنی بر اصول ارانه داد که مسیر را روشن می‌کرد بدون آنکه مانع نوآوری شود. این رویکرد از طریق نتایج ملموس و کاربردهای واقعی در زندگی روزمره، اعتماد عمومی ایجاد کرد.

رشد ۱/۱ درصدی نفوذ هوش مصنوعی در ایران

در گزارش اخیر مایکروسافت برای یافتن نامی از ایران باید تا صفحه سوم جدول پیش رفت؛ پس از آنکه قطر را در رتبه ۱۰، عربستان سعودی را در جایگاه سی‌ودوم، عمان در جایگاه سی‌وچهارم، کویت در ردیف پنجاه‌ویکم، ترکیه را در ردیف شصت‌وهشتم و عراق را در در رده هشتادوپنجم پشت سر بگذاریم، نام ایران در کنار نیکاراگوئه و پاکستان به چشم می‌خورد. میزان گسترش هوش مصنوعی در ایران بر اساس داده‌های این گزارش از ۹٫۶ در نیمه نخست ۲۰۲۵ به ۱۰٫۷ در نیمه دوم افزایش یافته است. این عدد را با در نظر گرفتن آمار ۸۶ میلیون نفری جمعیت ایران می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که حدود ۹ میلیون ایرانی در سال میلادی اخیر از هوش مصنوعی مولد استفاده کردند. در بخش انتهایی این جدول هم به ترتیب از آخر کامبوج، ترکمنستان، تاجیکستان و افغانستان قرار گرفته که ضریب پذیرش هوش مصنوعی در این کشورها کمتر از ۶ درصد گزارش شده است.

رقابت ژئوپلیتیک گسترش هوش مصنوعی با ظهور DeepSeek

یکی از غیرمنتظره‌ترین تحولات سال ۲۰۲۵، ظهور سریع دیپ‌سیک (DeepSeek) بود؛ یک بازیگر جدید که با ارائه مدلی در سطح رقابت با برترین سامانه‌های آمریکایی، صنعت را شوک‌زد کرده. ویژگی اصلی این پلتفرم متن‌باز بودن آن است. دیپ‌سیک وزن‌های مدل خود (model weights) را تحت مجوز MIT منتشر کرد و به توسعه‌دهندگان در سراسر جهان امکان داد آن را بررسی، اصلاح و توسعه دهند؛ رویکردی که به‌سرعت مورد استقبال جامعه متن‌باز قرار گرفت. این شرکت همچنین یک چت‌بات کاملاً رایگان برای وب و موبایل ارائه کرد. حذف هزینه اشتراک یا پرداخت، مانع ورود را برای میلیون‌ها کاربر به‌ویژه در مناطق حساس به قیمت کاهش داد. ترکیب متن‌باز بودن و دسترسی رایگان باعث شد دیپ‌سیک در بازارهایی که کمتر توسط پلتفرم‌های غربی پوشش داده شده‌اند رشد کند. بیشترین استفاده از دیپ‌سیک در کشورهایی مانند چین، روسیه، ایران، کوبا و بلاروس مشاهده شده است. همچنین محبوبیت آن در کشورهای آفریقایی نیز به‌سرعت در حال افزایش است؛ روندی که با حمایت‌های راهبردی و همکاری با شرکت‌هایی مانند هوای تقویت شده است.

این تحولات نشان‌دهنده بعد جدیدی از رقابت میان آمریکا و چین در حوزه هوش مصنوعی است؛ رقابت برای گسترش و ترویج مدل‌های ملی خود در سطح جهان. موفقیت دیپ‌سیک نشان‌دهنده افزایش نفوذ چین در آفریقا است؛ روندی که احتمالاً در سال ۲۰۲۶ نیز ادامه خواهد یافت. این روند همچنین یک واقعیت مهم را برجسته می‌کند؛ گسترش جهانی هوش مصنوعی به‌شدت تحت‌تأثیر دسترسی‌پذیری است و موج بعدی کاربران احتمالاً از جوامعی خواهد آمد که پیش‌تر دسترسی محدودی به فناوری داشته‌اند. چالش اصلی آینده این است که این نوآوری‌ها به کاهش شکاف‌ها کمک کنند، نه اینکه آن‌ها را عمیق‌تر سازند.

نقدی بر شکل‌گیری نوعی تصور نانوشته

دانشگاه مصونیت نه، مسئولیت می‌آورد!

محدثه سلطان محمدی
پژوهشگر کارگروه حکمرانی آموزش عالی مرکز نوآوری و تعالی کوثر

دانشگاه و کنشگران آن، اعم از استادان و دانشجویان، به طور سنتی جایگاهی متمایز در عرصه عمومی داشته‌اند. این تمایز نه از سر امتیاز ذاتی، بلکه برخاسته از کارکرد دانشگاه به‌عنوان نهادی تولیدکننده دانش، تفکر انتقادی و گفت‌وگوی عقلانی است. از همین رو، انتظار می‌رود نوع ورود استادان و دانشجویان به مسائل سیاسی و اجتماعی، از حیث روش، زبان و استدلال، تفاوت معناداری با کنش‌های روزمره و غیرنظام‌مند جامعه عمومی داشته باشد. نقد دانشگاهی، دست‌کم در تعریف کلاسیک آن، مبتنی بر شواهد، چهارچوب‌های نظری و مسئولیت‌پذیری معرفتی است، نه واکنش‌های هیجانی یا داوری‌های شتاب‌زده. بااین حال، تمایز در «شیوه نقد» نباید با «تمایز در نسبت با قانون» خلط شود.

یکی از چالش‌های مهمی که در سال‌های اخیر در فضای عمومی قابل‌مشاهده است، شکل‌گیری نوعی تصور نانوشته از «مصونیت نمدین» برای افراد دارای عناوینی چون استناد دانشگاه یا دانشجوست؛ گویی این عناوین، به‌خودی‌خود، فرد را در موقعیتی فراتر از سازوکارهای معمول پاسخ‌گویی حقوقی قرار می‌دهند. چنین برداشتی، چه آگاهانه و چه ناخودآگاه، در تعارض آشکار با اصول بنیادین دولت قانون‌مدار و اصل مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی است. در نظام‌های حقوقی مدرن، اصل بر برابری همگان در برابر قانون است. هیچ‌عنوان شغلی، منزلت علمی یا جایگاه اجتماعی نمی‌تواند جایگزین معیارهای عینی مسئولیت حقوقی شود. اگر فردی، صرف‌نظر از اینکه دانشجوست یا استاد، مرتکب تخلف یا جرم شود، منطق عدالت ایجاب می‌کند که همان فرایندهای قانونی درباره او اعمال شود که درباره سایر شهروندان اعمال می‌شود. دانشگاه نه پناهگاه مصونیت است و نه سپری در برابر قانون.

بااین حال، تجربه دانشگاه‌های جهان هم این موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد این تمایز در «شیوه نقد» هرگز به معنای «تمایز در نسبت با قانون» تلقی نشده است. برعکس، یکی از نقاط مشترک نظام‌های دانشگاهی در کشورهای مختلف، تفکیک روشن میان آزادی اعتراض سیاسی یا مدنی و الزام به رعایت قواعد حقوقی و نهادی است. در دانشگاه‌های مطرح آمریکا و بریتانیا و فرانسه، اگرچه تجمع مسالمت‌آمیز به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین آموزش عالی در این دانشگاه‌ها شناخته می‌شود؛ اما این آزادی همواره در چهارچوب مقررات مشخص زمان، مکان و شیوه اعمال می‌شود. دانشگاه‌ها اجازه نمی‌دهند اعتراضات به اشغال طولانی مدت فضاهای آموزشی، تعطیلی کلاس‌ها یا اخلاف در حقوق سایر اعضای دانشگاه بینجامد.

در مواردی که این مرز نقض شده، حتی معتبرترین دانشگاه‌ها نیز از اعمال مجازات‌های انضباطی یا ورود نیروی انتظامی ابایی نداشته‌اند. به همین دلیل، برگزاری تجمعات معمولاً مستلزم اطلاع قبلی، هماهنگی با مدیریت دانشگاه و پابندی به مقررات داخلی است. البته این نکته هم قابل‌ملاحظه است که حتی در مواقعی که اعتراضات کاملاً مسالمت‌آمیز بوده‌اند، مثل تجمعات دانشجویی در حمایت از فلسطین و محکوم کردن رژیم کودک‌کش صهیونیستی، این دانشگاه‌ها منطق و اصول خود را تغییر دادند. در تعداد قابل‌توجهی از دانشگاه‌ها شاهد بودیم که پلیس وارد محوطه دانشگاه شده و دانشجویان با تعلیق یا مجازات‌های انضباطی مواجه شده‌اند؛ امری که نشان می‌دهد آزادی اعتراض، حتی در این نظام‌ها نیز در بزنگاه‌های سیاسی متناسب با ماهیت سیاسی موضوع به‌سرعت تغییر می‌کند.

خلط میان «آزادی اعتراض» و «مصونیت از قانون» نه‌تنها به نقد دانشگاه نیست، بلکه سرمایه اخلاقی و معرفتی آن را فرسایش می‌دهد. تجربه جهانی نشان می‌دهد هر جا دانشگاه به فضایی برای تعلیق قانون بدل شده، نه استقلال علمی تقویت شده و نه آزادی پایدار مانده است. برعکس، پابندی روشن به قانون، شرط تداوم نقش انتقادی دانشگاه و حفظ اعتماد عمومی به آن است. در نهایت، اگر دانشگاهیان قرار است همچنان مرجع عقلانیت انتقادی در جامعه باقی بمانند، ناگزیرند مرز میان نقد سیاسی و مسئولیت حقوقی را شفاف نگه دارند. دانشگاه می‌تواند و باید منتقد باشد، اما منتقدی قانون‌مند و دقیقاً در همین توازن است که شأن دانشگاه حفظ می‌شود، نه در ادعای اشتنا بودن از قواعدی که بر کل جامعه حاکم است. دانشگاه نه‌تنها مصونیت نمی‌آورد، بلکه مسئولیت می‌آورد!

وضعیت انتشار هوش مصنوعی در نیمه دوم ۲۰۲۵

